

A Qur'anic Analysis of the Characteristics of the Desirable Offspring from the Perspective of Imam Sajjad (AS) in the Twenty-Fifth Supplication of al-Sahifa al-Sajjadiyya

Mohammad Javad Saqqayi Biria  / Assistant Professor, Department of Qur'anic Exegesis and Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute

mjbiria@iki.ac.ir

Received: 2022/02/15 - Accepted: 2025/05/18

Abstract

Undoubtedly, human nature inherently seeks to have desirable offspring; however, the characteristics of such offspring are a matter of dispute. Consequently, it is necessary to identify a reliable and enduring source to define these characteristics. Al-Sahifa al-Sajjadiyya, one of the rich repositories of Islamic knowledge, articulates many truths about the universe and humanity through the language of supplication to God. The primary research question is: From the perspective of Imam Sajjad (AS), what are the attributes of a desirable offspring, and what is the Qur'anic and narrative analysis of these characteristics? In addressing this main question, a secondary question is also answered: Are the other characteristics mentioned later in the supplication reconcilable with the three initial primary attributes? The objective of this descriptive-analytical research is to answer these questions by examining the passages of the 25th supplication in al-Sahifa al-Sajjadiyya. The most significant findings of this study can be summarized as follows: 1. In the first passage of this supplication, Imam Sajjad (AS) enumerates three comprehensive characteristics for the desirable offspring: Long life for the offspring, righteousness, being beneficial to the parents. 2. The other characteristics mentioned in subsequent passages of the supplication, serving as detailed explanations following the general ones, ultimately refer back to these three overarching attributes.

Keywords: desirable offspring, ideal offspring, characteristics of the desirable offspring, Imam Sajjad (AS), al-Sahifa al-Sajjadiyya.

نوع مقاله: مروری

تحلیلی قرآنی از ویژگی‌های فرزند مطلوب از منظر امام سجاده

در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه

mjbiria@iki.ac.ir

محمدجواد سقایی بی‌ریا  / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

چکیده

بی‌شک انسان فطرتاً به دنبال داشتن فرزند مطلوب خویش است، اما ویژگی‌های فرزند مطلوب مورد اختلاف است. پس ناگزیر باید منبعی معتبر و پایدار برای معرفی این ویژگی‌ها یافت. «صحیفه سجادیه» که یکی از منابع سرشار معرفتی اسلام است، حقایق بسیاری را از جهان هستی و انسان به زبان مناجات با خداوند بیان کرده است. اکنون، پرسش آن است که از منظر امام سجاده، فرزند مطلوب چه خصوصیت‌هایی دارد و تحلیل قرآنی و روایی این ویژگی‌ها چگونه است؟ ضمن پاسخ‌گویی به پرسش اصلی، پرسشی فرعی را نیز پاسخ داده‌ایم: آیا ویژگی‌های دیگری که در ادامه دعا ذکر شده‌اند، قابل انطباق بر سه ویژگی نخستین هستند؟ هدف از این پژوهش توصیفی - تحلیلی، پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها با استفاده از فرازهای دعای ۲۵ صحیفه سجادیه است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش را می‌توان چنین خلاصه کرد: ۱. امام سجاده در فراز نخست از این دعا، سه ویژگی فراگیر را برای فرزند مطلوب برشمرده‌اند: الف. طول عمر فرزند؛ ب. صالح بودن؛ ج. نافع بودن برای والدین؛ ۲. ویژگی‌های یادشده در فرازهای دیگر دعا، از باب تفصیل بعد از اجمال، به همان سه ویژگی کلی باز می‌گردند.

کلیدواژه‌ها: فرزند مطلوب، فرزند ایدئال، ویژگی‌های فرزند مطلوب، امام سجاده، صحیفه سجادیه.

مقدمه

بیان کرده که همگی تنها بر یک ویژگی فرزند مطلوب، یعنی نافع بودن او دلالت دارند.

مقاله «ارزش‌های والدگری، والد خوب از منظر فرزندان و فرزند ایدئال از منظر والدین: یک مطالعه کیفی» (خسروی و دیگران، ۱۴۰۲)، به بیان مفاهیم و مقوله‌های فرزند ایدئال از منظر والدین آنها پرداخته است. نتایج این پژوهش، نه بر اساس منابع دینی، بلکه بر مبنای پرسش‌نامه از والدین حاصل شده است.

مقاله «عوامل مؤثر بر تعداد ایدئال فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان» (حسینی و دیگران، ۱۳۹۸)، تنها بر مطلوبیت کمی فرزندان متمرکز شده؛ درحالی‌که سه ویژگی بیان‌شده توسط امام سجاده^ع شامل کمیت فرزند در کنار کیفیت آن هستند.

گرچه آنچه گذشت صرفاً نمونه‌هایی از پیشینه عام این مسئله است، اما در ارزیابی کلی آنها، چنین می‌توان گفت که پژوهش‌های صورت‌گرفته هیچ‌یک مسئله این پژوهش را در نظر نداشته‌اند. علاوه بر آنکه، منبع و روش تحقیق در آنها نیز متفاوت است. بنابراین وجه نوآوری این نوشتار را می‌توان به لحاظ مسئله (ویژگی‌های فرزند مطلوب از منظر امام سجاده^ع) و منبع آن (دعای ۲۵ صحیفه سجاده) و روش آن (تحلیل قرآنی و روایی) دانست.

برای اثبات ضرورت انجام این پژوهش، باید به دو نکته توجه کرد: اولاً این مسئله دارای اهمیت ذاتی است؛ چراکه بی‌شک زوج‌های مسلمان علاقه دارند فرزندان‌شان ویژگی‌های فرزند مطلوب از نگاه اسلام را داشته باشند، اما ممکن است برخی از آنها به این خصوصیت‌ها واقف نباشند. در اینجا، بنا بر منطق قرآن کریم، یعنی لزوم مراجعه جاهلان به آگاهان (ر.ک. نحل: ۴۳؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۶۰)، پرسش از معصومان^ع یکی از مطمئن‌ترین راه‌های دانستن حقیقت به حساب می‌آید. صحیفه سجاده نیز از آن جهت که در قالب مناجات با خداوند، حقایق عالم هستی را بازگو می‌کند، یکی از غنی‌ترین منابع معرفتی برای شناخت این‌گونه مسائل به‌شمار می‌آید، و به‌دلیل هم‌پوشانی بخشی از معارف آن با معارف قرآنی و پیوند عمیق و عریق آنها، از این جهت شایسته بررسی است؛ ثانیاً همان‌گونه که در پیشینه نیز بیان شد، این مسئله از ضعف در ادبیات پژوهشی رنج می‌برد. با انضمام این دو مطلب به یکدیگر، می‌توان نتیجه گرفت که انجام این پژوهش دارای اهمیت و ضرورت است.

بی‌شک منابع اصیل اسلامی برای معرفی فرزند مطلوب ویژگی‌ها و ملاک‌های خاصی را بیان کرده‌اند، اما ممکن است این ویژگی‌ها نزد برخی - حتی در میان دین‌داران - با معیارهای یادشده در منابع دینی متفاوت باشند. صحیفه سجاده^ع امام سجاده^ع، یکی از منابع پر بار شیعی با ریشه‌های قرآنی است که در آن معارف الهی درباره جهان و انسان بیان شده‌اند. پرسش اساسی این پژوهش آن است که از منظر امام سجاده^ع در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده^ع که به دعای آن حضرت برای فرزندان‌شان معروف است، فرزند مطلوب چه ویژگی‌های کلی و فراگیر دارد و چه تحلیل قرآنی و روایی برای هریک از این ویژگی‌ها می‌توان ارائه داد؟

هدف از انجام این پژوهش، آگاهی بخشیدن به زوج‌های مسلمان درباره این ویژگی‌هاست تا در فرزندآوری و فرزندپروری خود به آن سمت‌وسو حرکت کنند. نیز بیان تحلیل قرآنی و روایی برای حلقه‌های مفقوده هریک از این ویژگی‌ها، تأییدی بر درستی آنها خواهد بود. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و روش داوری درباره آنها توصیفی - تحلیلی است. در بررسی سندهای روایات، حتی‌المقدور به بررسی‌های نرم‌افزار درایة‌النور نسخه ۱/۲ تکیه کرده‌ایم.

این مسئله به‌لحاظ تبارشناسی معرفتی، به دانش «جامعه‌شناسی» تعلق دارد، ولی از آنجاکه دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده^ع و آیات قرآن کریم دربردارنده دلالت‌هایی درباره آن هستند، این دعا را به‌عنوان منبع پژوهش قرار می‌دهیم و به ریشه‌های قرآنی و روایی آن ویژگی‌ها اشاره‌وار خواهیم پرداخت. گفتنی است در این پژوهش، صرفاً به‌منظور تحلیل قرآنی و روایی فرازهای دعای مزبور به قدر نیاز از منابع تفسیری و روایی استفاده شده است. همچنین این پژوهش از قلمروی مکانی، زمانی و نژادی خاصی برخوردار نیست و شامل تمامی فرزندان مسلمانان در هر مکان، زمان و از هر نژاد می‌گردد.

بنا بر جست‌وجوهای انجام‌شده، پژوهشی یافت نگردید که این مسئله را به‌طور مستقل و تفصیلی مورد کنکاش قرار داده باشد. بااین‌حال، می‌توان به برخی از پژوهش‌ها، به‌عنوان مواردی از پیشینه عام آن اشاره کرد:

کتاب درآمدی بر فلسفه فرزندآوری در آیات و روایات (سقایی‌ریا، ۱۴۰۳)، اهداف گوناگون فردی و اجتماعی را برای فرزندآوری

این پژوهش، دیگر فرازهای دعای مزبور و ویژگی‌های مطرح در آنها را بررسی و امکان بازگشت هر کدام از آنها را به یکی از سه ویژگی ابتدایی بیان خواهیم کرد.

۱-۱. طول عمر فرزند

از این دعا به دست می‌آید که اولین ویژگی فرزند مطلوب، طول عمر اوست: «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَىٰ بَقَاءٍ وَ لَدَىٰ»؛ اینکه بماند.

معنای لغوی «بقاء» روشن و بی‌نیاز از بررسی است؛ اما اینکه کدام مصداق از بقای فرزند از این جمله اراده شده است، می‌تواند مورد بحث باشد. آیا بقای در دنیا مراد است؛ یا بقای در آخرت؛ یا هر دو؟

هرچند تنها آخرت است که سرای بقای بدون زوال است (برای نمونه، ر.ک. کشف: ۱۰۷ و ۱۰۸؛ نساء: ۱۶۸ و ۱۶۹). اما نمی‌توان درنگ نسبتاً بسیار کوتاه در دنیا را نادیده گرفت؛ چراکه اگر همین درنگ نباشد، دو ویژگی دیگر فرزند (صالح شدن و نفع رساندن به والدین) نیز جایی برای بروز نداشته و سعادت یا شقاوت او بی‌معنا خواهد بود. نتیجه آن است که مراد از بقای فرزند در این جمله از دعا، بقای او در دنیاست که مقدمه رسیدن به مراتب بالاتر زندگی در دنیا و آخرت است.

برخی شارحان صحیفه سجادیه، دو مصداق برای «بقاء» مطرح کرده‌اند: ۱. استمرار وجود که جز برای خداوند سبحان ممکن نیست؛ ۲. طول وجود یا عمر طولانی که در مورد انسان معنا دارد. سپس معنای دوم را مقصود در این جمله از دعا دانسته‌اند (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۸).

حال که مراد از بقای فرزندان در این فراز، عمر طولانی آنان در دنیاست، پرسش دیگر آن است که آیا مقصود از این جمله آن است که فرزندان همراه با والدین در دنیا بمانند یا این همراهی مد نظر نیست و مطلق طول عمر فرزندان مورد درخواست است. در یک احتمال و با نگاه ابتدایی، می‌توان گفت که امام علیه السلام مورد نخست - یعنی همراهی با فرزندان در ضمن طول عمر در دنیا - را از خداوند خواسته است؛ چراکه باز بدون همراهی فرزند با والدین و برخورداری آنها و فرزندان‌شان از عمر طولانی، جایی برای دو جمله بعد نمی‌ماند؛ یعنی دیگر امکان شایسته بودن و نفع‌رسانی به والدین وجود نخواهد داشت. این معنا را می‌توان از عبارت «مَنْ عَلَىٰ بَقَاءٍ وَ لَدَىٰ»؛ به باقی گذاردن فرزندان... بر من منت گذار، نیز دریافت؛ چراکه عرفاً در صورتی بقای فرزند بر والدین موجب منت است که

گرچه معنای واژه «مطلوب» به دلیل بداهتش، نیازمند بحث نیست، لیکن تعیین مراد از آن، قابل بررسی است. قطعاً مقصود از این واژه، «مطلوب شرعی» نیست، بلکه مراد فرزند دلخواه و مورد رغبت والدین مسلمان است (هرچند ملاک‌های شرعی نیز در جهت‌دهی میل والدین مؤثرند). ملاک خواست والدین، سازگاری این ویژگی‌ها با نفس و نیازهای والدین در دنیا و آخرت است. بنابراین اگر ویژگی بقای در دنیا به زودی از دست برود، ویژگی دیگر فرزند - یعنی نفع‌رسانی به والدین در آخرت - به عرصه می‌آید.

گفتنی است که این سه ویژگی تا حدودی تحت اختیار والدین و فرزندان هستند؛ مثل اینکه والدین در بقای فرزند با حفظ و نگهداری او از آفات و بیماری‌ها سهیم هستند؛ صالح و نفع‌رسان بودن فرزند در دنیا و آخرت نیز، عمدتاً به تربیت صحیح او از جانب والدین و انتخاب مسیر درست از جانب فرزند بستگی دارد که هر دو اختیاری‌اند.

۱. ویژگی‌های کلی فرزند مطلوب

در فراز نخست از دعای مزبور، امام سجاده علیه السلام به درگاه الهی چنین عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَىٰ بَقَاءٍ وَ لَدَىٰ وَ يَأْتِئُهُمْ لِي وَ يَأْتِئُهُمْ بِهَمْ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۸)؛ خداوند! به باقی گذاردن فرزندان و سامان دادنشان به نفع من، و کامیاب نمودن من از ایشان، بر من منت گذار.

در زبان عربی، عبارت «مَنْ عَلَىٰ بِكَذَا» حاکی از آن است که آنچه امام علیه السلام در ادامه از خداوند درخواست نموده است، نعمت و احسانی بس بزرگ است؛ زیرا این تعبیر هنگامی به کار می‌رود که کسی دیگری را با نعمتی سترگ سنگینی بخشیده یا احسانی بزرگ در حق او کرده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷۷؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۵۴۶).

گرچه امام سجاده علیه السلام در ادامه دعا درباره فرزندان خویش درخواست‌های دیگری را نیز به درگاه الهی برده است که تفصیل همین سه درخواست هستند، اما این سه خواسته (طول عمر، صالح بودن و نافع بودن فرزندان برای والدین) را می‌توان از اصول درخواست‌های ایشان در حق فرزندان‌شان دانست؛ چراکه این سه مورد، عناوینی فراگیر هستند که شامل بسیاری از دیگر ویژگی‌ها نیز می‌شوند. به عنوان مثال، پرشمار شدن فرزندان از شاخه‌های طول عمر آنان است و نیکوکار و پرهیزکار شدن آنان و در امان بودن از شیطان، از شاخه‌های صالح شدن آنان است. باین حال، در محور دوم

دادنشان به نفع من. اما این تعبیر درباره فرزندانی دقیقاً به چه معناست؟ آیا این مفهوم صرفاً با ایمان آوردن و عمل صالح انجام دادن (= صلاح دینی) فرزندانی مرتبط است؛ یا معنای دیگری پیش و بیش از آن مد نظر امام^{علیه السلام} بوده است؟

۱-۲-۱. معنای صالح بودن در این جمله از دعا

باید توجه داشت که این جمله از فراز نخست، ظرفیت دو معنا را دارد: ۱. ممکن است این جمله بر باقی ماندن فرزند در بدو تولد دلالت داشته باشد. البته این معنا ظهور کمتری دارد؛ ۲. معنای دوم صالح بودن شرعی فرزند است؛ یعنی ایمان داشتن او و انجام اعمال صالح. حال، باید دید که شواهد قرآنی یا روایی کدام معنا را تأیید می‌کنند. برخی شارحان صحیفه نیز، برای صالح بودن فرزندانی دو معنا ذکر کرده‌اند: ۱. سامان دادن فرزندانی به گونه‌ای که از والدین اطاعت کنند و به آنان نیکی کنند. قرینه این معنا قید «لی» است؛ ۲. این دعا برای صالح شدن فرزندانی به اطاعت خداوند است (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۸). صاحب مجمع البیان نیز، پس از بیان دو احتمال فوق در معنای جمله «وَ أَصْلَحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»، احتمال دوم را مناسب‌تر می‌داند؛ زیرا اگر فرزندانی از خدا اطاعت کنند [و فرض کنیم که هیچ نفعی به والدین نرسانند]، چون فرزندانی صالح آنها هستند، باز نفع این کار به والدین بازمی‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۳۰). البته نباید فراموش کرد که اطاعت خداوند بدون احسان به والدین، نشدنی است؛ زیرا خداوند در آیات متعدد به احسان نسبت به والدین فرمان داده است. در اینجا، مناسب است کاربردهای قرآنی صالح بودن فرزند را بررسی کنیم، شاید به نتیجه‌ای در این زمینه برسیم:

۱-۲-۱-۱. کاربردهای قرآنی «صالح بودن» فرزند

با توجه به کاربردهای قرآنی «صالح بودن» در مورد فرزند، این نتیجه به دست می‌آید که فرزند دو نوع صالح بودن دارد: ۱. صالح بودن در بدو تولد؛ ۲. صالح بودن پس از رسیدن به سن تکلیف که در آیات قرآن کریم، به هر دو نوع آن اشاره شده است:

الف) صالح بودن فرزند در بدو تولد

به لحاظ زمانی، اولین کاربرد «صالح بودن فرزند»، در بدو تولد یا کمی قبل از آن است. قرآن کریم ماجرای زن و شوهری را بازگو می‌فرماید

آنان همراه با یکدیگر در دنیا طول عمر داشته باشند. در غیراین صورت، اگر فرزندان پس از مرگ والدین، عمر طولانی داشته باشند، عرفاً گفته نمی‌شود که خدا بر والدین آنان منت نهاده است؛ مگر به بیانی که در احتمال دوم خواهد آمد.

در احتمال دوم، با توجه به دیدگاه قرآن کریم مبنی بر دوساختی بودن انسان و برخورداری او از بدن مادی و روح مجرد و ملکوتی (ر.ک. مؤمنون: ۱۴؛ سجده: ۱۱ و ۱۰؛ طه: ۱۳۹، ج ۱۶، ص ۲۵۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۵۴-۷۲ و ۱۷۳-۱۸۷)، طول عمر فرزند پس از مرگ والدین نیز می‌تواند به نوعی به نفع پدر و مادر باشد که برخی روایات به این معنا دلالت دارند؛ مانند اینکه امام سجاد^{علیه السلام} به برخی از اصحاب خود که فرزند نداشت، فرمود: «قُلْ فِي طَلَبِ الْوَلَدِ رَبٌّ لَا تَذَرِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثَنِي فِي حَيَاتِي وَ يَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ وَفَاتِي» (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۶۴)؛ در طلب فرزند بگو: پروردگار من! مرا تنها مگذار، درحالی که تو بهترین وارثانی و برای من از نزد خود ولیی قرار ده که در زندگی، از من ارث برد و بعد از مرگم، برایم استغفار کند. بنابراین بقای فرزند با والدین در دنیا و آخرت می‌تواند برای والدین سودمند باشد. با تأمل در معنای بقا که به لحاظ مفهومی می‌تواند شامل بقای در آخرت نیز باشد، معلوم می‌گردد که بقای ابدی والدین مؤمن با فرزندان مؤمنشان آرزویی طبیعی و فطری است. از این رو در عناوین بعدی، خواهد آمد که یکی از اسباب شادمانی بهشتیان هم‌نشینی با فرزندان‌شان در بهشت است (ر.ک. طور: ۲۱؛ رعد: ۲۳؛ غافر: ۸).

در اینجا، اشاره به این نکته مناسب است که امام سجاد^{علیه السلام} برای فرزندان خود دعا می‌فرمایند، نه فرزند خود؛ یعنی ظاهر امر چنین است که ایشان در هنگام بیان این دعا، فرزندان متعددی داشته‌اند. اگر چنین به ذهن بیاید که مفرد فرزند (وَلَد) با جمع آن (وُلَد) به یک شکل نوشته می‌شوند و از این کلمه نمی‌توان به صورت قطع چنین برداشتی کرد، می‌گوییم: در ادامه، ایشان از ضمیر جمع استفاده فرموده است (باصلاحهم لی و...). برخی کتب معتبر تاریخی، ایشان را دارای ۱۵ فرزند دانسته‌اند (ر.ک. مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۵۵).

۱-۲. صالح بودن فرزند برای والدین

در جمله دوم از این فراز، بیان امام سجاد^{علیه السلام} - بر خلاف جمله نخست - مقید به قید «لی» شده است: «وَ يَصْلَحْ لَهُمْ لِي»؛ و سامان

که پس از مشاهده آثار بارداری در زن، با خداوند خویش عهدی بستند: «فَلَمَّا أَتَقَلَّتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹)؛ و چون [زن به خاطر بارداری اش] سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند: اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود! روشن است که درباره یک فرزند عادی (= غیرمعصوم) که در شرف به دنیا آمدن است، ایمان و عمل صالح معنا ندارد؛ تا به آن معنا، «صالح» خوانده شود. بنابراین قطعاً واژه «صالحاً» در این آیه باید معنای دیگری داشته باشد.

با توجه به این نکته، مفسران این کلمه را - که در بدو تولد یا کمی قبل از آن به کار رفته است - به فرزندى که زنده بماند و تام‌الخلق، سالم و دور از هر عیب باشد، معنا کرده‌اند و تصریح کرده‌اند که در این مورد، یعنی پیش از تولد یا نزدیک آن، صلاح دینی (ایمان و عمل صالح) مقصود نیست (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۸۸؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۶؛ سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۴۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۳۵۴).

ب) صالح بودن فرزند بعد از رسیدن به سن تکلیف

کاربرد دوم، یعنی صالح بودن دینی فرزند، پس از آن است که او به سن تکلیف و رشد می‌رسد که در آن هنگام فرزند ممکن است با اختیار خود ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد. این کاربرد نیز در دعایی قرآنی از زبان یکی از بندگان خاص خداوند در حق فرزندانش آمده است: «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» (احقاف: ۱۵)؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد، می‌گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم! منظور از «وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» در این دعا، آن است که خداوند به فرزندان، توفیق عمل صالح عطا کند و این کار منجر به شایسته شدن فرزندان گردد. اما مقید شدن این درخواست در دعای قرآنی و در دعای صحیفه، به قید «لی»؛ برای من، به این معناست که اصلاح آنان به گونه‌ای باشد که من از آنها بهره‌مند گردم؛ یعنی همان گونه که من نسبت به والدین خود نیکوکار بودم، آنان نیز نسبت

به من نیکوکار باشند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۲۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۲۰۲؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۲۹).

این معنا از صالح بودن، همان است که در آیه ۴۸ سوره انعام و برخی دیگر از آیات (برای نمونه، رک. بقره: ۱۳۰؛ آل عمران: ۳۹؛ اعراف: ۳۵ و ۱۸۶؛ اسراء: ۲۵ و شوری: ۴۰) نیز آمده است: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ ما پیامبران را جز (به عنوان) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم؛ آنها که ایمان بیاورند و (خویش را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. برخی مفسران در معنای «أَصْلَحَ» آورده‌اند که یعنی انسان اعمال صالح انجام دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۶۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۴۹؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۴۴).

با توجه به دو کاربرد قرآنی فوق برای صالح بودن فرزند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که امام علیه السلام معنای دوم (= صالح بودن دینی) را از جمله «وَأَصْلَحْ لَهُمْ لِي» قصد فرموده است؛ چراکه ایشان معنای اول (= صلاحیت تکوینی) را با جمله «مَنْ عَلَىٰ يَاقِيَاءَ وَلَدِي» اراده فرمود. باین حال، جمله نخست به اطلاق خود بر باقی ماندن فرزند در هنگام تولد و سلامت در آن زمان نیز دلالت دارد. بنابراین از آنجاکه تکرار بدون نکته یک معنا با دو جمله پیاپی، خلاف فصاحت کلام است، جمله اخیر را تنها به معنای ایمان و عمل صالح می‌دانیم. در این صورت، همان گونه که در بیان صاحب مجمع البیان گذشت، قید «لی» بدان معناست که به هر حال، وقتی فرزندان یک فرد صالح و شایسته باشند، نفع معنوی آنها و اعمال صالحشان به او باز می‌گردد.

۱-۳. نافع بودن فرزند برای والدین

وصف و ویژگی «نافع بودن» یک شیء در ادبیات دینی از جایگاه والایی برخوردار است. برای مثال، در میان نمونه‌های نافع می‌توان به «علم نافع» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۹)، «پند نافع» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۵)، «انسان نافع» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۴) و در اینجا «فرزند نافع» اشاره کرد.

در یک خانواده ایمانی، فرزندان این ظرفیت عظیم را دارا هستند که می‌توانند منافع گوناگونی را در دنیا و آخرت به والدین خود برسانند و این به دلیل بابرکت بودن وجود فرزند است. آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «يَبْتُ لَا صَبِيَّانَ فِيهِ لَا بَرَكَتَ فِيهِ»

(پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴)؛ خانه‌ای که در آن فرزندان نباشد، هیچ برکتی در آن نیست. این تقدیر حکیمانه خداوند است که فرزند - با اختیار خود یا گاه بی‌اختیار - در زندگی، به والدینش نفع می‌رساند و این یکی از انگیزه‌های قوی در فرزندآوری است که مورد تأیید دین نیز هست. به‌همین جهت است که قرآن و روایات در موارد فراوانی به منافع دنیوی و اخروی فرزند اشاره کرده‌اند؛ تا از این راه، زوجین را به فرزندآوری تشویق نمایند (برای نمونه، ر.ک. انفال: ۶۰؛ کهف: ۳۴ و ۴۶؛ نوح: ۱۲؛ فرقان: ۷۴ و تفاسیر ذیل آنها).

در قرآن کریم آمده است که برخی از مردم به فرزنددار بودن خداوند معتقد بودند؛ آنجا که می‌فرماید: «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (یونس: ۶۸)؛ گفتند: خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است! [او] (از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزّه است! او بی‌نیاز است! از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است. برخی تفاسیر صراحتاً بیان کرده‌اند که چه‌بسا انسان به فرزندآوری اقدام می‌کند؛ تا در برابر سختی‌های روزگار او را یاری کند و در روز نیاز ذخیره او باشد. اما خداوند که غنی است و هیچ نیازی ندارد، به همین جهت فرزند ندارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۹۵). امام رضا^{علیه السلام} نیز در روایتی معتبر، فوایدی را برای ازدواج و فرزندآوری بیان فرموده است که در آن افزایش تعداد فرزند را برای پیشامدها و حوادث روزگار دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۷۳).

فرزند وقتی صالح و اهل ایمان و عمل صالح باشد، یکی از دستورات اکید خداوند به او احترام و نیکی به پدر و مادر خصوصاً در دوران مریضی، پیری و ازکارافتادگی است. قرآن کریم در چهار آیه (بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۲۳) پس از دستور به پرستش خدای یگانه، به نیکی به والدین توصیه فرموده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو!

این دستور تا بدانجا اهمیت دارد که خداوند آن را نسبت به والدین بی‌ایمان نیز سرایت داده است (ر.ک. لقمان: ۱۵). پس خداوند در وجود والدین نیازهای فراوانی را قرار داده است و برآورده شدن آنها را

به وسیله فرزند مقرر ساخته است. البته این حالت برای والدین و فرزندان آزمون و مایه رشد و کمال است (ر.ک. انفال: ۲۸؛ تغابن: ۱۵). درنتیجه، اگر والدین به این مضمون به درگاه الهی دعا کنند که «خدا! فرزندانم را برای من نافع قرار ده!»، مطابق با فطرت انسان و نظام هستی است و ناشی از خودخواهی آنان نیست. آیا اگر کسی بگوید: «خدا! سیری و رفع عطش من را در غذا و آب قرار ده!» می‌گوییم این خودخواهی است؛ یا منصفانه چنین داوری می‌کنیم که خدا رفع نیازهای او را در چیزهای دیگر قرار داده است؟

علاوه بر اینکه، فرزندان پیش از این از والدین خود نفع‌های فراوانی برده‌اند که اگر والدین نبودند، فرزندی بر جای نمی‌ماند. اکنون که فرزندان به سن رشد و کمال رسیده‌اند، خداوند از فرزندان خواسته است که اگر نمی‌توانند حق حیاتی را که والدین به گردنشان دارند، جبران کنند، دست‌کم هر خیر و نیکی که می‌توانند، از آنان - خصوصاً از مادر - مضایقه نکنند. امام سجاده^{علیه السلام} درباره حق مادر بر فرزند جمله‌هایی فرموده است که به ذکر ترجمه آنها اکتفا می‌کنیم:

حق مادرت [بر تو] آن است که بدانی او تو را حمل کرد، آن‌گونه که هیچ کس کسی را حمل نمی‌کند و از میوه قلبش به تو چیزی را عطا کرد که هیچ کس به کسی نمی‌بخشد. او تو را با همه اعضایش حفظ کرد و باکی نداشت که گرسنه باشد و به تو غذا دهد و تشنه باشد و به تو آب بنوشاند و برهنه باشد و تو را بپوشاند و زیر آفتاب باشد و سایبان تو باشد و برای تو بی‌خوابی بکشد. او تو را از گرما و سرما حفظ کرد تا تو برای او باشی. پس تو جز به یاری خداوند و توفیق او، نمی‌توانی از عهده شکر او برآیی (ر.ک. صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۱).

گرچه در این تحقیق مصادیقی برای نفع‌رسانی فرزندان به والدین در دنیا و آخرت بیان شده است، لیکن می‌توان گفت که دامنه این مطلب بسیار گسترده است و تا جایی که کار حرامی در بین نباشد، هر خیر و خوبی در حق آنان مطلوب است. این مطلب را می‌توان به‌روشنی از جمع دو آیه قرآنی به دست آورد؛ آنجا که به احسان و نیکی به والدین امر (ر.ک. انعام: ۱۵۱) و در جای دیگر از اطاعت آنان در معصیت خداوند نهی می‌فرماید (ر.ک. عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵). حاصل آنکه در غیر معصیت الهی، هر چه از تو خواستند از آنها اطاعت کن.

۱-۳-۱. نفع‌رسانی فرزند به والدین در دنیا

والدین در خانواده نیازهای دنیوی فراوانی دارند. هرچند امام سجاده^{علیه السلام} در جمله نخست دعا سه ویژگی کلی فرزند مطلوب خود را از خداوند درخواست نموده

فرزند، زینت زندگی دنیاست. امام سجاد^(ع) نیز در فراز پنجم از دعای مزبور از خداوند درخواست نمود: «وَزَيِّنْ لَهُم مَّحْضَرِي»؛ و به فرزندانم... بزم [زندگی] ام را بیارای. روشن است که مقوله زینت با حس زیبایی‌شناختی انسان در ارتباط است. فرزند در سنین مختلف جلوه‌های مختلفی از زیبایی دارد و حس مزبور را در انسان ارضا می‌کند. در هر مرحله از رشد فرزند، انسان از دیدن او که ثمره زندگی‌اش است، لذت می‌برد.

و در مقام برشمردن نمونه‌های این منافع در دنیا یا آخرت نبوده است، اما با استفاده از شواهدی، می‌توان به برخی از این نمونه‌ها دست یافت.

باید توجه داشت که نفع دنیوی فرزند به والدین تنها در چند مورد خاص مادی، مثل ازدیاد نیروی مستند به جمعیت (ر.ک. انفال: ۶۰) یا یاری رساندن در کارهای مادی (ر.ک. اسراء: ۶)، خلاصه نمی‌شود، بلکه منافع روحی و روانی را نیز دربر می‌گیرد. در ادامه، به برخی از موارد اخیر می‌پردازیم:

۱-۳-۱. ارضای میل فطری فرزند دوستی

بنا بر دیدگاه برخی مفسران، انسان فطرتاً به فرزند گرایش و میل دارد. البته این میل با انگیزه‌های مختلفی تقویت می‌شود؛ مانند اینکه برخی والدین فرزند را برای کسب قدرت می‌خواهند؛ برخی او را ذخیره دوران بیماری یا پیری خود می‌دانند و برخی نیز او را پس از مرگ خود تداوم وجود خود به‌شمار می‌آورند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۷۳). شاهد این تفسیر آن است که افرادی که فرزنددار نمی‌شوند، آرام و قرار ندارند و این بی‌قراری تا بدانجاست که برخی از زوج‌های بی‌فرزند راضی می‌شوند برای خود فرزندخوانده برگزینند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۷۴).

۱-۳-۲. احیای نام و راه والدین

یکی از دغدغه‌های انسان آن است که او پس از مدتی خواهد مُرد و دیر یا زود به دست فراموشی سپرده خواهد شد، اما هنگامی که در بقای فرزندان پس از خود می‌اندیشد، آنها را مایه احیای نام و راه خود می‌داند. از این رو مقداری از اضطراب او کاسته می‌شود. به همین دلیل است که در روایات شباهت فرزند به والدین از سعادت فرد مسلمان شمرده شده است (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷)؛ چراکه با شباهت ظاهری او به والدین، مردم با دیدن فرزندان والدین‌شان را یاد می‌کنند (برای مطالعه بیشتر درباره نمونه‌های دنیوی نفع‌رسانی فرزند به والدین، ر.ک. صادقان کاخکی، ۱۳۹۴؛ سقایی بی‌ریا، ۱۴۰۳).

۱-۳-۱. تأمین سکون و آرامش زن و شوهر

یکی از ضروری‌ترین نیازهای زن و شوهر در بدو ازدواج، احساس مولد بودن است که با بارداری زن و تولد نخستین فرزند مُهر تأیید بر آن می‌خورد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید. از آنجاکه زن و مرد هیچ‌کدام به تنهایی قادر به تکثیر نسل نیستند، آنها با توجه به این نقص، دچار تشویش خاطر می‌شوند. اما پس از ازدواج، زمینه تناسل و فرزندآوری به وجود می‌آید و به این جهت، هریک از زوجین به دیگری متمایل می‌شود. بنابراین احساس آرامش بین آنها که ناشی از احساس مولد بودن و توانایی آنان بر تکثیر نسل است، شکل می‌گیرد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

۱-۳-۲. تفاوت درخواست مزبور با برخی نظریات باروری

باید توجه داشت که رویکرد اسلامی نفع‌رسانی فرزند به والدین با برخی نظریات تبیین باروری در غرب متفاوت است. بنا بر رویکرد اقتصادی به باروری، والدین پیش از فرزندآوری منافع و هزینه‌های فرزند را برآورد می‌کنند و تنها در صورتی به این کار اقدام می‌کنند که منافع آن بیشتر از هزینه‌هایش باشد. لیبنشتاین (Leibenstein) منفعت فرزندان را به این می‌داند که آنان کالایی برای لذت بردن والدین، منبع تولید و درآمد و در نهایت، نگهداری از والدین در سنین پیری یا در صورت بیماری و از کارافتادگی هستند. حال، اگر این منافع بر هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم فرزندآوری ترجیح داشته باشد، والدین فرزند خواهند آورد (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۵۷۵۶).

این نظریه و امثال آن، که تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری را صرفاً به شرایط اقتصادی خانواده منوط می‌کنند، با نظر اسلام و قرآن مبنی بر نفع‌رسانی فرزندان به والدین کاملاً تفاوت دارند؛ چراکه انگیزه اصلی والدین مسلمان و مؤمن از آوردن فرزند، آن است که انسانی دیگر به وجود بیاید که خداوند را بشناسد و او را عبادت کند.

۱-۳-۳. آراستن زندگی دنیا

قرآن کریم فرزند را مایه آراستگی زندگی دنیا معرفی کرده، می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶)؛ مال و

۱-۳-۳-۲. فعال بودن پرونده اعمال والدین پس از مرگ هنگامی که مرگ انسان فرا می‌رسد، نامه اعمال او بسته می‌شود، اما لطف خداوند موجب شده که در برخی موارد استثناهایی وجود داشته باشد. قرآن کریم نیز در آیه ۷۶ سوره مریم، از «الباقیات الصالحات» سخن گفته است و ثواب آن را بهتر و عاقبتش را خوب‌تر از چیزهایی که کافران بدان افتخار می‌کنند، دانسته است. این تعبیر در برخی تفاسیر، به همه اعمال صالح (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۸۱۶) یا نمازهای واجب یا تسبیحات اربعه (ر.ک. میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۷۸) معنا شده است. در روایتی از پیامبر خدا^ص نیز آمده است: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يُتَسَمَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٍ تَجْرَى لَهُ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱)؛ هنگامی که انسان می‌میرد، عمل او جز از سه چیز قطع می‌شود: علمی که از آن نفع برند، صدقه جاریه و فرزندی که برای او دعا کند. به نظر می‌رسد که دعا کردن یکی از مصادیق کارهای خیری است که با آن ارتباط فرزند با والدین پس از مرگ حفظ می‌شود، والا همان‌گونه که در عنوان پیشین گذشت، کارهای خیر دیگری که فرزند انجام می‌دهد، در پرونده اعمال والدین فوت شده ثبت می‌شوند.

۱-۳-۳-۳. شفاعت فرزندان برای والدین یکی از منافع اخروی عظیمی که کمابیش فرزند برای والدینش به دنبال دارد، آن است که نه تنها او والدینش را شفاعت می‌کند، بلکه شفاعت او پذیرفته است؛ از امام صادق^ع با سند معتبر نقل شده است که فرمود: «إِنَّ أَوْلَادَ الْمُسْلِمِينَ مُوسُومُونَ عِنْدَ اللَّهِ شَافِعُونَ وَ مُشَفَّعُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳)؛ همانا فرزندان مسلمانان نزد خداوند شفاعت‌گری نامیده می‌شوند که شفاعتشان پذیرفته است. ریشه قرآنی این مطلب، در دو آیه رد ۲۳ و غافر ۸ آمده است که در عناوین بعدی بررسی خواهند شد.

در روایتی از امام سجاد^ع آمده است: «نِعْمَ الشَّيْءُ الْوَلَدُ إِنْ عَاشَ فَدَعَاءُ حَاضِرٍ وَإِنْ مَاتَ فَشَفِيعُ سَابِقٍ» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۵)؛ چه خوب چیزی است فرزند! اگر زنده بماند، برای والدینش بسیار دعا می‌کند و [نزد آنان به خدمت] حاضر است و اگر بمیرد، شفيعی است که [در مرگ، از والدینش] سبقت گرفته است. اطلاق این روایات حاکی از آن است که لازم نیست فرزند مقام معنوی بالایی داشته باشد تا شفاعتش در حق پدر و مادرش مقبول افتد، بلکه برخورداری از شرایط عمومی شفاعت در این امر کفایت

در روایت معتبری از امام صادق^ع آمده است که یعقوب^ع به فرزندش بنیامین دستور داد که اگر می‌توانی فرزندی داشته باشی که زمین را با تسبیح‌گویی خود سنگین و گران‌بها کند، این کار را انجام ده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۹).

بنابراین والدین مسلمان هنگام تصمیم‌گیری برای فرزندآوری، شرایط اقتصادی خانواده را ملاک اصلی قرار نمی‌دهند، اما پس از به وجود آمدن فرزند، از خداوند می‌خواهند که او موفق گردد تا نسبت به نفع‌رسانی به والدینش کوشا باشد درواقع این دعا نیز یکی از نمونه‌های انجام اعمال صالح است که گرچه در جمله دوم فراز اول از دعا (یا صلاهیهم لی) ذکر شده است، ولی به صورت بیان خاص بعد از عام دوباره و برای تأکید بر اهمیت آن در ویژگی سوم (= نفع‌رسانی به والدین) ذکر شده است.

۱-۳-۳-۳. نفع‌رسانی فرزند به والدین در آخرت ممکن است چنین به نظر برسد که با مرگ والدین یا فرزند، رشته مودت بین آنها گسسته می‌گردد، هر کسی در قبر خود دفن می‌شود، روز قیامت تنها محشور می‌شود و به بهشت یا جهنم خود می‌رود. بنابراین فرزند نمی‌تواند در آخرت برای والدین خود نفعی داشته باشد. مطلب حتی از این هم سخت‌تر است؛ چراکه قرآن کریم در بیان برخی احوال روز قیامت چنین می‌فرماید: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَحْبِهِ وَ بَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس: ۳۴-۳۷)؛ در آن روز که انسان از برادر خود می‌گریزد، و از مادر و پدرش، و زن و فرزندانش، در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد!

اما حقیقت آن است که بنا بر ادله قوی (برخی آیات و روایت)، فرزند در آخرت نیز به والدین خود نفع می‌رساند. اینک بیان نمونه‌هایی از نافع بودن فرزند در آخرت:

۱-۳-۳-۱. تخفیف یا بخشش عذاب والدین یکی از فواید فرزند که بعد از مرگ والدین به آنان می‌رسد، تخفیف یا بخشش عذاب آنان در قبر و عالم برزخ است. عیسی بن مریم^ع روزی بر قبری گذشت که صاحب آن در عذاب بود. سال بعد دوباره بر همان قبر عبور کرد و [با تعجب] دید که صاحب آن قبر عذاب نمی‌شود. وقتی از علت آن پرسید، خداوند فرمود که او پسری داشت که به سن بلوغ رسید، راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد؛ پس به واسطه کار نیک پسرش صاحب قبر را بخشیدم (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶ ص ۳).

می‌کند. اما اگر فرزندی عالم وارسته یا مجاهدی شهید باشد، قبولی شفاعتش مؤکد خواهد بود.

گویی شفاعت کردن فرزند از والدین به خاطر شناخت و محبت پیشین نسبت به آنان است، ولی در روایت معتبری از امام صادق ع از رسول خدا ص آمده است که حتی «جنین سقطشده» نیز که هیچ سابقه شناخت و محبت با آنها نداشته است، والدین خود را شفاعت می‌کند: «أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ يَظَلُّ مُجْتَبِئًا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - ادْخُلِ الْجَنَّةَ، فَيَقُولُ: لَا ادْخُلْ حَتَّى يَدْخُلَ آبَاؤِي قَبْلِي، فَيَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِمَلِكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: اتَّبِنِي بِأَبَوَيْهِ، فَيَأْمُرُ بِهِمَا إِلَى الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ: هَذَا بِفَضْلِ رَحْمَتِي لَكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۵۹۶)؛ آیا نمی‌دانید که من روز قیامت به واسطه شما بر دیگر امت‌ها افتخار می‌کنم؛ حتی به جنین سقطشده که خشمگین بر در بهشت می‌ایستد؟ پس خدای عزوجل می‌فرماید: داخل بهشت شو. او می‌گوید: «داخل نمی‌شوم تا والدینم قبل از من داخل شوند. پس خدای تبارک و تعالی به یکی از فرشتگان می‌فرماید: والدینش را حاضر کن. پس به آنان فرمان می‌دهد که وارد بهشت شوند. سپس خداوند می‌فرماید: این از فضل مهریانی من بر توست.

البته همان‌طور که از نوع بیان روایت - خصوصاً در جمله آخر آن - معلوم است، پذیرفتن شفاعت جنین در حق والدینش نوعی منت‌گذاری بر آنان است. در این صورت، اگر کسی به عمد و از روی جنایت جنین خود را سقط کند، مشمول عنوان «قتل نفس» بوده و از این رحمت الهی به دور خواهد بود. درواقع چنین والدینی در روز قیامت بازخواست خواهند شد که به چه جرمی جنین خود را کشتید.

۱-۳-۳-۴. همراهی ابدی در بهشت

بنا بر برخی آیات قرآن کریم، گروهی از مؤمنان که واجد شرایطی خاص هستند، می‌توانند در آخرت والدین، همسران و فرزندان صالح خود را - به‌عنوان لطف و کرامتی از سوی خداوند - همراه با خود به بهشت ببرند و جاودانه در کنار یکدیگر باشند: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَدْرَعُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۲-۲۴)؛ و آنها که به‌خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از

آنچه به آنها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست... باغ‌های جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند؛ و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند... (و به آنان می‌گویند) سلام بر شما به خاطر صبر و استقامت‌تان! چه نیکوست سرانجام آن سرا (ی جاویدان)!

برخی مفسران معتقدند که این بیان قرآنی بشارتی است برای مؤمنان که به زودی در بهشت با صالحان از خویشان و اهل خود، یعنی پدران و مادران، فرزندان، برادران و خواهران، هم‌صحبت خواهند شد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۳۴۷). برخی دیگر، دایره بُرد ایمان مؤمن را فراتر از نجات خودش می‌دانند و معتقدند که چشم او در بهشت به دیدن این صحنه روشن می‌گردد که فرزندان صالحش نیز به او ملحق می‌شوند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۲۹). برخی آیات قرآن حکایت می‌کنند که فرشتگان حامل عرش الهی نیز، در دعای خود برای مؤمنان از خداوند تقاضا می‌کنند که اهل ایمان را به همراه پدران [، مادران]، همسران و فرزندان‌شان وارد بهشت کند (ر.ک. غافر: ۸ و ۷). این همراهی برای آن است که انس و شادمانی اهل بهشت کامل شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۸۰۲).

۲. بررسی ویژگی‌های مطرح‌شده در دیگر فرازاها

سه ویژگی یادشده در فراز نخست دعا، یعنی بقای فرزندان، صالح بودن آنان برای والدین و نافع بودن‌شان برای آنان، از کلیت و فراگیری زیادی برخوردار هستند. به‌همین جهت، ویژگی‌هایی که در ادامه دعا آمده‌اند، به‌صورت تفصیل بعد از اجمال و مصادیقی برای آن سه ویژگی هستند. در محور دوم، به این مطلب خواهیم پرداخت که هریک از ویژگی‌های بعدی به کدام خصوصیت کلی بازمی‌گردند.

۲-۱. ویژگی‌های منطبق بر «طول عمر فرزندان»

فراز دوم دعا، شامل درخواست‌هایی شبیه به یکدیگر، مانند طولانی شدن عمر فرزندان، به تأخیر افتادن اجل آنان، پروراندن کوچک‌شان و توانا ساختن ضعیف آنان، سالم گرداندن بدن‌های آنان، عافیت دادن به آنها در جان و جسم و جاری کردن روزی فرزندان بر دستان پدر است که همگی به ویژگی اول، یعنی باقی ماندن فرزندان، بازمی‌گردند و از فروع آن به‌شمار می‌آیند. توضیح آنکه این دعاها همگی مربوط به جسم فرزندان هستند و بدون آنها بقای مادی فرزندان دچار اختلال

می‌گردد. این بازگشت عرفی است و از وضوح برخوردار است؛ بنابراین در آن نیازی به استدلال از طرق مختلف نیست.

۲-۲. ویژگی‌های منطبق بر «صالح بودن فرزند»

در فراز دوم، جمله «أَصْحَ لِي... أَدْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ»؛ به‌خاطر من... دین و خوی‌شان را... در امان بدار، به‌وضوح با ویژگی دوم، یعنی صالح بودن فرزند ارتباط دارد؛ چراکه دین و خُلق و خو تنها با این جنبه مرتبط‌اند که نیاز به توضیح ندارد.

فراز سوم دعا، اوصافی را برای فرزندان درخواست می‌نماید، مانند در زمره نیکان، پرهیزکاران، بینایان، شنوایان، فرمان‌برداران از خداوند، دوست‌داران و خیرخواهان اولیای الهی و کینه‌جویان دشمنان خداوند بودن که همگی به‌وضوح با صفت دوم مطرح‌شده در فراز اول، یعنی صالح بودن فرزندان، اتصال دارند.

فرازهای سه‌گانه شش تا هشت که راجع به شیطان، کارها و کیدهای او در حق انسان و درخواست در امان ماندن خود و فرزندان از شر او هستند، به‌روشنی، همگی به ویژگی دوم، یعنی صالح بودن فرزند، باز می‌گردند؛ چراکه یکی از مؤلفه‌های انسان صالح آن است که از شیطان در امان باشد. به‌همین جهت است که مادر مریم عذرا پس از تولد دخترش خطاب به خداوند عرضه داشت: «وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَ إِنِّي أُعِيزُهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران: ۳۶)؛ من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندان او را از (وسوسه‌های) شیطان رانده‌شده، در پناه تو قرار می‌دهم. معلوم می‌شود که از منظر قرآن نیز، یکی از ویژگی‌های فرزند مطلوب آن است که از شر وسوسه‌های شیطان به دور باشد و از این طریق، انسانی شایسته بار آید.

۲-۳. ویژگی‌های منطبق بر «نافع بودن فرزند برای والدین»

فراز چهارم از دعا، به‌روشنی می‌رساند که در دنیا فرزند برای والدین خود منافع گوناگونی - اعم از نفع جسمانی و روانی - دارد؛ آنجاکه امام^ع به پیشگاه ربوبی عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَأَقِمْ بِهِمْ أَوْدِي، وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَأَخِي بِهِمْ ذِكْرِي، وَأَكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي، وَأَعِزَّنِي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَأَجْعَلْهُمْ لِي مُجِيبِينَ، وَعَلَى حَدِيثِ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ، غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِئِينَ»؛ خدایا! به فرزندانم بازوی مرا قوی ساز. و کجی‌هایم را به راستی آور. و بر شمارم بیفز. و بزم زندگی‌ام را بیارای. و نامم را زنده گردان. و در نبود من کارم را به

سامان کن. و یاری‌ام ده به خواسته‌ام برسم. آنان را دوست‌دار من، و با من مهربان قرار ده، که با راستی و درستی، روی دل به من آورند و مطیع من باشند، نه نافرمان و بدرفتار و ناسازگار و خطاپیشه.

آن‌گونه که مشاهده می‌شود، در هفت جمله نخست از این فراز، امام سجاده^ع با طرح درخواست‌هایی به همراه عبارت «بِهِمْ»؛ به‌واسطه فرزندان، این ایده را می‌رساند که نفع بردن از فرزندان، نه تنها ناپسند نیست که سزاوار درخواست از خداوند است. در جمله هفتم، با بیانی صریح از خداوند تقاضا می‌کند با آنان مرا بر [برآورده شدن] خواسته‌هایم یاری کن. سپس، جمله‌های هشتم تا آخر از این فراز، به‌گونه‌ای دیگر بر منافع عاطفی و روانی فرزندان در دنیا، مانند دوست داشتن پدر و مادر، مهربان بودن با آنان و روی آوردن به آنان، دلالت دارند.

درخواست کمک از جانب خداوند بر تربیت، تأدیب و نیکی کردن به فرزندان در فراز پنجم نیز، به ویژگی صالح بودن فرزندان بازمی‌گردد. اما اینکه امام^ع در این فراز، از خداوند فرزندان ذکور می‌طلبد، ظاهراً به ویژگی سوم، یعنی نفع بردن از فرزندان، مرتبط است. گویا امام^ع در آن شرایط ویژه فرهنگی - سیاسی - اجتماعی به کمک فرزندان پسر نیاز مبرم داشته است. در منابع تاریخی آمده‌است که از میان ۱۵ فرزند آن حضرت، ۱۱ نفر، پسر بودند و چهار نفر دختر (ر.ک. مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۵۵).

امام^ع از خداوند درخواست فرزندان ذکور دارد؛ گویی به این دو آیه قرآن کریم اشاره می‌کند: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَوْرَ أَوْ يَرْوِجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنثًا وَ يَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيْمًا إِنَّهُ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ» (شوری: ۴۹ و ۵۰)؛ مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست؛ هرچه را بخواهد می‌آفریند؛ به هر کس اراده کند، دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر، یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - را برای آنان جمع می‌کند و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد؛ زیرا که او دانا و قادر است.

اما از فراز نهم تا سیزدهم، یعنی تا آخر دعا، امام^ع درخواست‌هایی عام از خداوند دارد (که ارتباط مشخصی با فرزندان ندارد)، مانند وسعت روزی، دوری از گناه، برآورده شدن همه حاجات و استجاب این دعاها برای همه مؤمنان و مؤمنات، نکته قابل توجه در این قسمت از دعا، آن است که امام سجاده^ع به خداوند عرضه می‌دارد: «وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ»؛ همانند آنچه را من برای این جهان و آن جهان خود و فرزندانم از تو خواسته‌ام، به همه

مردان و زنان مسلمان و با ایمان عطا فرما. از این جمله، چنین برداشت می‌شود که منافع فرزندان هم در دنیاست و هم در آخرت.

ردیف	شماره فراز	محتوای فراز	ملحق به ویژگی
۱.	اول	سه ویژگی کلی برای فرزند مطلوب ۱. طول عمر فرزند ۲. صالح بودن فرزند ۳. نافع بودن فرزند برای والدین	—
۲.	دوم	طولانی شدن عمر فرزندان، به تأخیر افتادن اجل آنان، پروراندن کوچک‌شان و توانا ساختن ضعیف آنان، سالم گرداندن بدن‌های آنان، عافیت دادن به آنها در جان و جسم و جاری کردن روزی فرزندان بر دست پدر	طول عمر فرزند
۳.		در امان داشتن دین و خوی فرزندان	صالح بودن فرزندان
۴.	سوم	در زمره نیکان، پرهیزکاران، بینایان، شنوایان، فرمان‌برداران از خداوند، دوست‌داران و خیرخواهان اولیای الهی و کینه‌جویان دشمنان خداوند بودن	
۵.	چهارم	اشاره به برخی منافع مادی و معنوی فرزندان	نافع بودن فرزندان برای والدین
۶.	پنجم	طلب یاری در تربیت، تأدیب و نیکی کردن به فرزندان	صالح بودن فرزند
۷.		درخواست فرزندان ذکور	نافع بودن فرزندان برای والدین
۸.	ششم تا هشتم	بیان کیدهای شیطان و درخواست امان از آن برای خود و فرزندان	صالح بودن فرزندان
۹.	نهم تا سیزدهم	جمالاتی عام غیرمرتبط با فرزندآوری	—

بررسی ویژگی‌های فرزندان مطلوب در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه

نتیجه‌گیری

امام سجاده^(ع) اولین ویژگی فرزند مطلوب را طول عمر او می‌داند و از خداوند این ویژگی را برای فرزندان خود درخواست می‌نماید. طول عمر می‌تواند مقدمه تأمین بهتر و بیشتر دو ویژگی دیگر، یعنی صالح

بودن و نافع بودن فرزندان برای والدین باشد. غرض از طول عمر فرزندان آن است که والدین بتوانند مدت بیشتری را در دنیا در کنار فرزندان‌شان باشند؛ فرزندان در سایه ایمان و عمل صالح، کمال یابند (ویژگی دوم) و والدین از وجود آنان منتفع گردند (ویژگی سوم).

صالح بودن، ویژگی دوم برای فرزند دلخواه امام^(ع) است که اشاره به آیه ۱۵ سوره احقاف دارد این ویژگی دو احتمال معنایی دارد: نخست اینکه فرزند در بدو تولد سالم باشد و زنده بماند؛ احتمال دیگر که ظاهر این ویژگی است، آنکه فرزند پس از رسیدن به سن بلوغ فکری و جسمی، ایمان آورد و تمامی اعمال صالح را انجام دهد که یکی از آنها نیکی به والدین و حفظ احترام آنان خصوصاً در دوران مرضی، پیری و از کارافتادگی است.

ویژگی سوم برای فرزند مطلوب، نافع بودن او برای والدین در زمان حیات آنان و بعد از مرگشان است. منفعتی که فرزند برای والدین دارد، به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم می‌شوند که در قسم اول به چهار نمونه از منافع روحی - روانی، یعنی ارضای میل فطری فرزند دوستی، تأمین سکون و آرامش زن و شوهر، آراستن زندگی دنیا و احیای نام و راه والدین اشاره شده است. در قسم دوم، به تخفیف یا بخشش عذاب والدین در قبر، فعال بودن پرورنده اعمال والدین پس از مرگ، شفاعت فرزند نسبت به والدین و همراهی ابدی با آنان در بهشت پرداخته‌ایم.

به نظر می‌رسد که عبارت «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَىٰ بَقَاءِ وَلَدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِإِشْتَاعِي بِهِمْ» نشان‌دهنده داعی فرایندی است؛ یعنی این جمله با درخواست طول عمر فرزندان آغاز شده، در وهله بعد، به تقاضای برخورداری آنان از صلاحیت دینی (ایمان و عمل صالح) رسیده و در نهایت، به درخواست توفیق الهی برای آنان در انجام یکی از کارهای خیر که نقش اساسی در تکامل معنوی فرزندان دارد (نیکی به والدین)، ختم می‌شود. ظاهر امر چنین است که اگر این سه مرحله مستجاب نگردد، خواسته امام^(ع) ناتمام مانده است. شاهد این مطلب، آن است که امام^(ع) در فراز دوازدهم اجابت جمیع آنچه خواسته است را مسئلت می‌نماید اما نکته جالب آنکه در این میان، فرزند نیز به بالاترین مدارج تکامل معنوی دست می‌یابد و از پاداش‌های الهی برخوردار می‌گردد.

در محور دوم تحقیق، تحلیلی از فرازهای دیگر این دعا در مورد فرزندان ارائه شده و این ویژگی‌ها را به سه ویژگی فراگیر نخست ارجاع داده‌ایم. نتیجه نهایی آنکه، امام سجاده^(ع) در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه، سه ویژگی کلی را برای فرزندان بیان کرده‌اند که سایر ویژگی‌های درخواستی در این دعا به آنها بازمی‌گردند.

منابع

فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*. قم: شریف الرضی.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. چ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷ق). *الدعوات*. قم: مدرسه امام مهدی^ع.

کبیر مدنی شیرازی، سیدعلی خان (۱۴۰۹ق). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چ چهارم. قم: دار الکتب الاسلامیه.

مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) (۱۳۸۲). *درایة النور*. نسخه ۱/۲.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*. چ هشتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹). *انسان‌شناسی در قرآن*. تنظیم و تدوین محمود فتحعلی. چ هفتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چ دهم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. تهران: امیرکبیر.

قرآن کریم

صحیفه سجادیه (۱۳۹۸). ترجمه محمد مهدی رضایی. چ دوم. قم: جمال.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول^ع*. چ دوم. قم: جامعه مدرسین.

ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحرير و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.

پابنده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. چ چهارم. تهران: دنیای دانش.

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۷). *بحران خاموش: واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی - اجتماعی کاهش باروری در ایران*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع.

حسنی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان. *مطالعات جمعیتی*، (۵)، ۲، ۹۱-۱۲۵.

حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسه آل‌البیت^ع.

خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*. قم: بیدار.

خسروی، زهره و دیگران (۱۴۰۲). ارزش‌های والدگری، والد خوب از منظر فرزندان و فرزند ایده‌آل از منظر والدین: یک مطالعه کیفی. *مطالعات زن و خانواده*، (۱۱)، ۲۹، ۱۵۸-۱۹۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف*. چ سوم. بیروت: دار الکتاب العربی.

سقایی بی‌ریا، محمدجواد (۱۴۰۳). *درآمدی بر فلسفه فرزندآوری در آیات و روایات*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی.

سیدقطب (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*. چ سی و پنجم. بیروت: دار الشروق.

صادقیان کاخکی، غلامرضا (۱۳۹۴). *کارکردهای افزایش جمعیت از منظر قرآن کریم و روایات*. مشهد: دانشگاه علوم و معارف قرآن.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *صفات الشیعه*. تهران: علمی.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ دوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *تفسیر جوامع الجامع*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چ سوم. تهران: ناصر خسرو.

عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق). *مصباح کفعمی*. چ دوم. قم: دار الرضی.